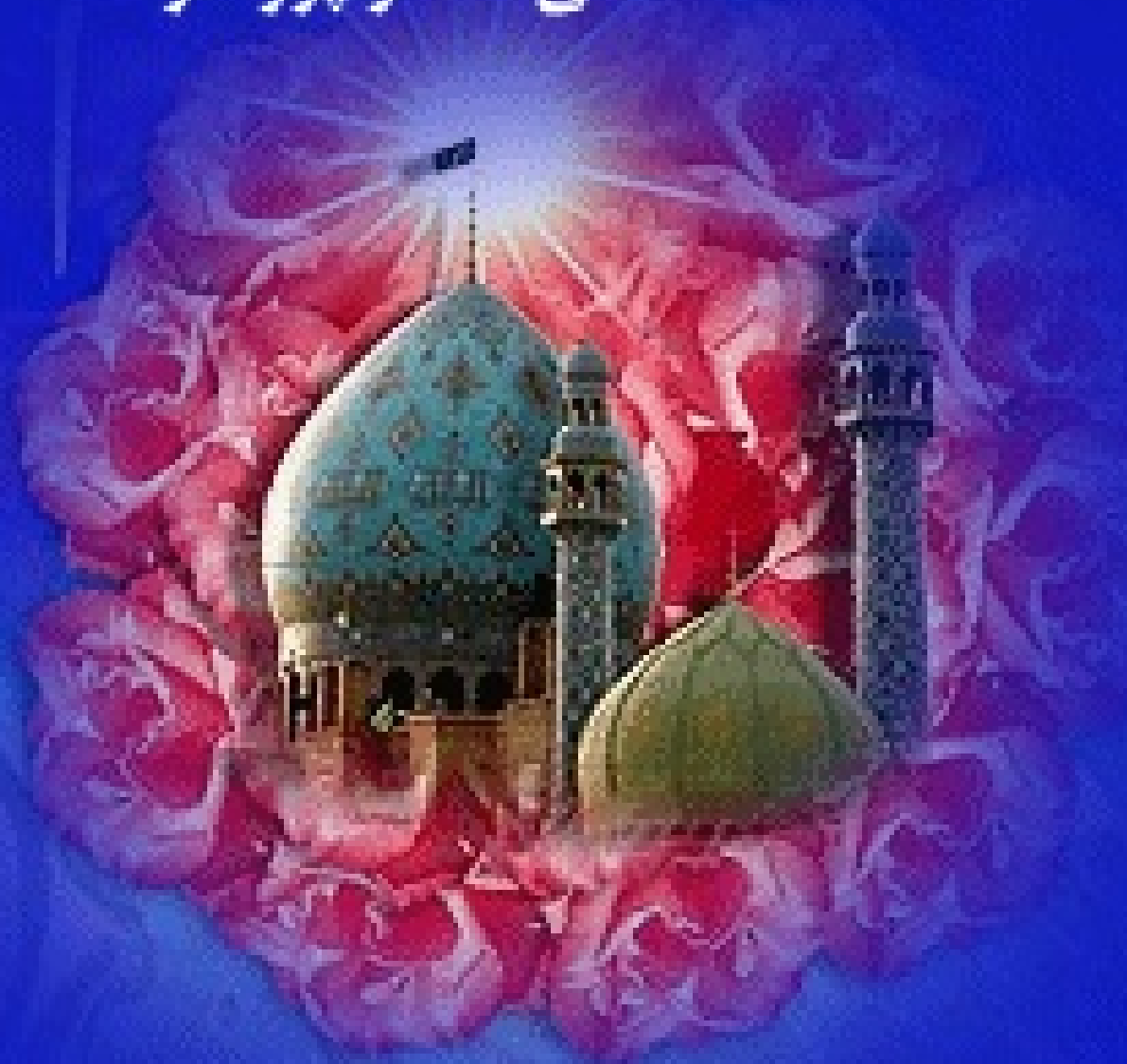


# شهر عدل موعود

علی اصغر پور عزت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شهر عدل موعود

نویسنده:

علی اصغر پور عزت

ناشر چاپی:

علی اصغر پور عزت

## فهرست

۵	فهرست
۶	شهر عدل موعود
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	مقدمه
۷	شعور و ظهور، دورنمای شهر عدل در امتداد نگاه منتظران
۹	مبانی و شاخصهای اصلی تصویر پردازی - تمام خرد و کمال هنر
۹	شهر عدل موعود، مظهر عقلانیت و زیبایی
۱۱	ختم سخن: تصویر پردازی بصیرت بخش و راهبرد فوق فعال منتظران
۱۲	پاورقی

شماره کتابشناسی ملی : ایران

سرشناسه : پورعزت، علی اصغر

عنوان و نام پدیدآور : شهر عدل موعود : تجلیگاه تمام خرد و کمال هنر انسانی / علی اصغر پور عزت

توصیفگر : عدالت اجتماعی توصیفگر : انسان توصیفگر : عقل توصیفگر : سنجش افکار

## اشاره

شوق انتظار جان‌مایه حرکت برای گذر از وضع موجود به سوی وضع مطلوب است؛ حرکتی که باید با شناسایی مقصد آغاز گردد و بدان سو متمایل شود؛ و در این حال، آحاد جامعه یا سالک راه نجاتند و یا غوطه‌ور در سید قهقرایی جاهلیت مدرن. شعور منتظران دستمایه ادراک حقیقت شهر عدل در امتداد نگاه آنان است؛ منتظرانی که مکلف به احیای شهر صالحان بوده، مسؤول حفظ و حراست از آنند؛ شهری که به آرزوها و تمایلات کمال‌جویانه و حق‌طلبانه انسانی میبخشد و تصویرگران آن، بسیج آگاهانه گروه‌های متنوع و متکثر مردم برای تحقق جامعه موعود است؛ شهری که مختصات آن مقید به اصول خردنامه و هنر است؛ شهری که روابط اجتماعی مردم آن نمایانگر تمام خردمندی و کمال زیبایی است. و در واقع، سرشت تصویر بصیرت‌بخش از آینده موعود و راهبرد فوق‌فعال انتظار هزارهای جامعه انسانی همین عقلانیت و زیبایی است. واژه‌ها و اصطلاحات رهنما: ۱. مسیر حرکت ۲. مبدا و مقصد ۳. شعور و ظهور ۴. شهر صالحان ۵. شهر خرد و زیبایی ۶. تصویرپردازی بصیرت‌بخش ۷. انتظار هزارهای

## مقدمه

هر آن‌که عزم حرکت میکند، طرحی از مسیر و مقصد در اندیشه دارد. انتظار نیز طلیعه حرکتی برای گذر از وضع موجود به سوی وضع مطلوب است؛ حرکتی که باید با شناسایی مقصد آغاز گردد؛ مقصدی که اگر شناخته نشود، مرگ آدمی چون مرگ جاهلی است، در عمیق‌ترین لایه‌های جهل، ناآگاهی، جمود و سکون..... اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی. اللهم لاتمتنی میتة جاهلیة و لا ترغ قلبی بعد اذ هدیتنی. [۱]. من مات و لیس له امام فمیتة میتة جاهلیة. [۲]. بدیهی است که چنین عقوبت سنگینی در برابر کوتاهی و تقصیری بزرگ تعیین می‌شود. پس منظور از شناخت امام، شناخت او بر حسب ویژگی‌های ظاهری و نسب او نیست. مخاطب دعا حکیمی است که به عبث حکم نمی‌کند و خود اساس عدل و میزان است؛ پس اگر مرگ ناآشنا با امام زمان (عج) مرگ جاهلی است، مراد از شناخت امام و آشنایی با او چیزی فراتر از شناخت ظاهری است. چه بسا گمراهانی که او و اجدادش را به درستی تا ابراهیم می‌شناختند، ولی با راه، شیوة حکومت و مقصد او ناآشنا بودند و به کام مرگ جاهلی فروافتادند. بنابراین مقصود از این شناخت، شناختی شوق‌انگیز برای شروع حرکت است؛ حرکت به سوی تحقق خواسته‌های او و امت او در احیای «شهر عدل»؛ شهری که در آن، اهداف امام و امت و منتظر و منتظر به هم می‌آمیزند؛ شهری که در امتداد صراط مستقیم و طریق الوسطی به دست صالحان تحقق می‌یابد و به همان‌ها به ارث میرسد. [۳]. سخن از راهی طولانی است که هر لحظه سکوت و غفلت از سیر در آن، ممکن است انحرافی جبران‌ناپذیر در پی داشته باشد، اما مختصات این راه و مقصد آن (شهر عدل موعود) کدام است و چگونه مسیر کاروانیان در آن استمرار می‌یابد و احیا می‌گردد؟ بنابر دلالت‌های قرآنی و روایی، احیای این

شهر، حاصل تلاش و کوشش نسلی از بنی آدم است که با مجاهدت خود، به شایستگی زندگی در شهر عدل صالحان دست میابند؛ (و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون) (ان في هذا لبلاغاً لقوم عبدین) (انبیاء/ ۱۰۵ و ۱۰۲). و در زبور، پس از تورات، نوشتیم که مسلماً زمین را عباد صالح به ارث خواهند برد و به یقین در این سخن پیام رسایی است برای قومی که بنده خداوندند. و عدا لله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما..... (نور/ ۸۸) ۲. خداوند به کسانی از شما که ایمان آورند و اعمال صالح انجام دهند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین به خلافت خواهد رساند.... [۴]. در واژه‌های «صالحون» و «صالحین»، حدی از صلاحیت مورد نظر است که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آن همه مجاهدت و مقاومت در راه خدا، در آخرت به آنان ملحق میشود. [۵]. آیه ۱۰۵ از سوره انبیا بشارت میدهد که به زودی زمین از شرک و گناه پاکیزه میگردد و جامعه‌ای صالح و موحد در آن زندگی خواهند کرد. [۶]. آیه ۵۵ سوره نور نیز به اهل ایمان و عمل صالح مژده میدهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص آنان ایجاد میشود و زمین در اختیار آنان قرار میگیرد. دین آنها متمکن گشته، امنیت برقرار میشود؛ امنیتی که در سایه آن از شر کفار و منافقان در امان باشند و آزادانه خدا را عبادت کنند. [۷]. و نعمتی که خداوند ارزانی میدارد، پایدار است، مگر این که مردم وضع خویش را به دست خویش دگرگون سازند: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (رعد/ ۱۱) ۳. و خدا نعمتی را که نزد گروهی است تغییر نمیدهد، تا هنگامی که آنان آن چه را در ضمیر دارند، تغییر دهند. [۸]. اگر دلیل بقای یک نعمت، شایستگی و صلاحیت است، میتوان استفاده کرد که با بازگشت به مراتبی از شایستگی و صلاحیت، نعمت‌های از دست رفته باز میگردد و شرایط زندگی اقوام، بهبود مییابد. مسیر کسب شایستگی به سوی مقصدی آرمانی و والا است؛ مقصدی که آشنایی با مختصات آن، بر شوق منتظران میافزاید و استقامت آنان را فزونی میبخشد. بنابراین تصویرپردازی آینده موعود، راهبردی است برای افزایش اشتیاق منتظران به حیات در «شهر عدل».

### شعور و ظهور، دور نمای شهر عدل در امتداد نگاه منتظران

گویا سیر تاریخ حکایت مکرر تنهایی غم‌انگیز معصوم در راه وصال به شهر عدل است؛ تنهایی وصف‌ناپذیری که حیات دنیوی را با خار در چشم و استخوان در حلقوم و همزیستی با جاهلانی که ظاهری از آدمی دارند، در شمار دشوارترین شکنجه‌ها قرار می‌دهد. [۹]. قابل تأمل است که تحقق «شهر عدل» وعده خداوند حکیم است؛ حکیمی فارغ از قیود زمان و مکان که عزم او بر تحقق چیزی همان وقوع آن است: و اذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون. [۱۰]. حکیمی که کار عبث نمیکند و نعمتش را فقط برای شایستگان پایدار میسازد و حضور و حیات وی در شهر عدل را برای صالحان مخصوص ساخته است. [۱۱]. گویا شعور و بلوغ پیروان، حلقه مفقوده معادله‌های است که پاسخ آن، کلید افتتاح شهر عدالت است؛ زیرا همواره مردم، زمامدارانی چون خود خواهند داشت. [۱۲]. با دقت در سیره معصومان علیهم السلام و با اعتقاد به وحدت رویه آنان در برخورد با انواع پدیده‌ها، [۱۳] امکان تشخیص حق از باطل فراهم می‌آید. سیره امامانی که همگی مفسر، توضیح دهنده و متجلی کننده حقایق دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند و در همه حال، عین گفتار، کردار و سیرت پیامبر را نمایان میساختند. [۱۴]. پس هرگاه شعور و بلوغ اجتماعی به میزانی رسید که جامعه از شایستگی پیروی از معصومان برخوردار گردد، آنها به حکومت قیام نمودند و هرگاه جامعه به سوی دیگران شتافت، طریق دیگری برای هدایت تدریجی مردمان برگزیدند. [۱۵]. امام در اوج کمال علمی و معنوی، به امامت میرسد و طبق حکم خالق، اطاعت از امر او بر دیگران واجب مییابد؛ به طوری که نه در حکم خدا تغییری ایجاد میشود و نه در مشی امام. پس استدلال میشود که آنچه تحقق شهر کمال‌یافتگان، صالحان و عدالت‌پیشگان را به تأخیر میاندازد، ضعف در توان و تمایل [۱۶] پیروان است. براساس این استدلال، بلوغ و شعور پیروان، لازمه تحقق ظهور و قیام برای تحقق شهر عدل است؛ بلوغ و شعور لازم برای ادراک حقیقت عدالت و تمایل به قیام و پایمردی برای احیای آن! سیره معصوم علیهم السلام همواره بر حمایت از عامه مردم تأکید داشته،

آنان را ستون دین نامیده و نقش آنان را در تحقق عینی حاکمیت مورد توجه قرار داده است. ردیف - متن نمونه سخنان - منبع ۱. نامه به مالک اشتر - ستون دین، انبوهی مسلمانان و ساز و برگ در برابر دشمنان عامه مردم هستند، پس باید گرایش تو به آنان و میل تو به سوی ایشان باشد (ر.ک. نهج البلاغه، ترجمه آیتی، ص ۷۲۳) - نهج البلاغه، نامه ۵۳.۲. درباره مردمی که به والی نیاز دارند یا با او کار دارند - من از رسول الله صلی الله علیه و آله بارها شنیدم که می گفت: «هرگز پاکیزه نمی گردد امتی که در میان آن ها حق ناتوان بدون لکنت زبان، از توانمند بازستانده نشود»؛ پس تحمل نمای درشت گویی یا عجز آن ها را در سخن گفتن (ر.ک. همان، ص ۷۴۱) - همان، نامه ۵۳.۳. درباره عثمان و کشته شدن او - خود کامگی نمود و در این خود کامگی بد کرد؛ شما نیز ناشکیبایی کردید و در این ناشکیبایی بد رفتار کردید (ر.ک. همان، ص ۹۱) - همان، خطبه ۳۰.۴. درباره چگونگی رفتار والی با مردم - زنهار از این که به نیکی کردن، منت بر مردم نهی، یا درباره آن چه از جمله اعمال بوده بزرگ نمایی کنی، یا به مردم وعده دهی و خلاف آن نمایی؛ که همانا منت نهادن، نیکی را باطل میسازد، و بزرگ نمایی روشنی حق را ببرد و خلف وعده سبب برانگیختن خشم خدا و مردم شود (ر.ک. همان، ص ۷۴۹) - همان، نامه ۵۳.۵. درباره مردم حق طلب - خدا بیامرزد کسی را که حقی را ببیند و آن را یاری دهد و ستمی را ببیند و آن را دور سازد و صاحب حق را در گرفتن حقش یار باشد (همان، ص ۴۷۷) - همان، خطبه ۱۹۶. تاکنون هرگز شنیده نشده و در هر گزارش معتبری مشاهده نشده است که روش معصومان علیهم السلام، حتی برای نجات مردم، به استبداد گرایش یابد. [۱۷]. براساس نظریه های رهبری، میتوان چهار حالت کلی را در نظر گرفت که در آن ها سبک مطلوب رهبری بر حسب میزان بلوغ و شعور پیروان تعیین میشود. در حالتی که توانایی افراد برای فعالیت کم باشد و تمایل آن ها به انجام کار نیز اندک باشد، کمترین میزان بلوغ و آمادگی در میان پیروان مشاهده میشود؛ در چنین وضعیتی استفاده از سبکهای رهبری «دستوری و شبه استبدادی» توصیه میشود. هنگامی که توانایی افراد کم باشد، ولی علاقه آن ها به انجام فعالیت زیاد باشد، سطح بلوغ پیروان، متوسط یا نسبتاً پایین برآورد میشود و استفاده از سبک رهبری «استدلالی - تشویقی» توصیه میگردد. در صورتی که افراد از توانایی مطلوبی برخوردار باشند، ولی علاقهای به انجام کار نداشته باشند، توصیه میشود که از سبک رهبری «مشارکتی» استفاده گردد. اما اگر وضعیت به گونهای باشد که افراد هم از توانایی مطلوب و هم از تمایل زیاد به انجام کار برخوردار باشند، رهبر میتواند با استفاده از سبک «تفویضی»، انجام کار را برعهده پیروان گذارده، مسئولیت آن را نیز به ایشان تفویض نماید. بنابراین چهار حالت کلی شکل میگیرد. سبک تفویضی (انجام کار و مسئولیت آن به خود افراد واگذار میشود) - سبک مشارکتی (کار با مشارکت افراد و سهم کردن آن ها در نتیجه انجام میشود) سبک استدلالی - تشویقی (با حمایت و تشویق کارکنان و هدایت آن ها به انجام کار مبادرت میشود) - سبک دستوری (انجام کار از طریق دستورات صریح و روشن از کارکنان مطالبه میشود) بدین ترتیب، هنگامی از سبک دستوری استفاده میشود که کمترین حد بلوغ در میان کارکنان مشاهده شود؛ ولی با افزایش بلوغ کارکنان، به تدریج از سبک های استدلالی، مشارکتی و تفویضی نیز باید استفاده کرد؛ اما به نظر میرسد در حالتی که سطح بلوغ مردمان پایین است، هر حرکتی برای تشکیل حکومت عدل با شکست مواجه میشود و هر گونه تلاش برای نیل به این مقصود، همانند کشت در زمین دیگران است. [۱۸]. بنابراین هرچه میزان بلوغ و شعور افراد جامعه افزایش یابد، برامکان کامیابی در تحقق شهر عدل افزوده میشود. بدین ترتیب، یکی از مهم ترین و مؤثرترین اقدامها برای تعجیل در ظهور و استقرار حکومت عدل پایدار، سوق دادن جامعه به سوی ترکیب اجتماعی «جامعه صالحان» است؛ یعنی شکلدهی جامعه های که در آن افراد حق طلب، زیاد و افراد عدالت گریز، عدل ستیز و خردستیز در حداقل باشند. شاید یکی از مناسبترین و کارآمدترین استراتژیهای اقدام برای هدایت سیستم اجتماعی به وضعیت حقمدار، ارائه تصویرهای بصیرت بخش از وضعیت مطلوب آینده باشد. این اقدام را میتوان نوعی «واکنش فوق فعال» در برابر وضع موجود و تصویرپردازی های القاگرانه دیگران تلقی کرد. [۱۹]. بدین ترتیب، با ارائه تصویری مناسب از وضعیت هدف، امکان اجماع نیروها و گروه های متفرق در سیری اصلاح طلبانه به سوی آینده فراهم می آید؛ اجماعی که میتواند مقدمه شکلگیری

«امت» باشد. برای این اساس، پرسش‌هایی قابل طرح است: ۱. چگونه میتوان بدون تحمیق توده‌ها و القا به ناخودآگاه آن‌ها و بدون کم‌ترین تمایل به راهبردهای تزویرمدار، جامعه را به سوی تحقق شهر عدل سوق داد؟ ۲. ترسیم تصویر بصیرت‌بخش از آینده، باید بر چه مبنایی انجام شود؟ ۳. الزامات حاکم بر فراگیری تصویرپردازی از آینده کدامند؟ ۴. یک تصویر باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد تا بتوان آن را بصیرت‌بخش نامید؟

### مبانی و شاخصهای اصلی تصویرپردازی - تمام خرد و کمال هنر

اگر تصویرپردازان بخواهند مختصات جهان آینده را به گونه‌های ترسیم نمایند که شوق مستمر و پایدار مردم را به تحقق آن برانگیزانند، باید با تعهد به حقیقت، به دو مبنای مهم پایبند باشند: عقلانیت و زیبایی. انسانها رشد میکنند، فرهنگها تغییر میکنند و تمدنها متحول میشوند؛ با وجود این، هرگز آن‌چه که آدمیان به طور منطقی دریافته‌اند، دگرگون نمیشود. انسانها هرگز نمیتوانند باورهای قطعی عقلانی خود را از نظر دور دارند. در واقع برای نفوذ بر اندیشه آدمی، هیچ چیز مؤثرتر از «منطق» نیست. البته در طول تاریخ، عده‌های یافت شده‌اند که با شک بر واقعیتها، در زنجیر تردید ناشی از تحلیل‌های سفسطی اسیر شده، کارکرد مفید و سازنده بخش عمده‌های از نیروهای اجتماعی را از میان بردند؛ [۲۰] با این حال، همواره پایدارترین باورهای انسانی، بر مبانی عقلایی و اصول منطقی مبتنی بوده‌اند. اما در شرایط موجود، با توجه به محدودیتهای آدمی، دستیابی به شرایط تصمیمگیری کاملاً عقلانی، بعید به نظر میرسد؛ مگر در موارد استثنایی که گزینه‌های تصمیم بسیار محدود و معین باشند. از این رو آدمی معمولاً به عقلانیت نسبی اعتماد میکند و تصمیم میگیرد تا اگر نمیتواند به وضعیت بهینه دست یابد، دست کم از وضعیت رضایتبخش برخوردار گردد. [۲۱]. هم‌چنین تمایل آدمی به ادراک زیباییها و شوق ادراک زیباییها، محرک مهمی است که در عالیترین سطوح بلوغ انسانی، مشوق رفتار آدمیان است. در واقع، اگر عقلانیت راستا و مسیر حرکت صحیح را مشخص میکند، شوق زیبایی‌شناسانه، نیرو و حرارت ضروری برای حرکت را فراهم آدمی قرار میدهد. اما زیباییهای قابل ادراک در شرایط عادی، نسبی و زوال پذیرند. در وضع موجود، آدمی شیفته و مفتون چیزهایی میشود که به اقتضای دنیایی بودن، رنگ میبازند و او را در حسرت خود تنها می‌گذارند. بنابراین آدمی درگیر سیری یادگیرنده و رو به اصلاح در دو جهت مکمل است: سیر به سوی دریافت هرچه دقیقتر مبانی عقلانی برای تطهیر تصورات، رفتارها و کنشهای فردی و اجتماعی؛- سیر به سوی ادراک هر چه ظریف‌تر مبانی زیبایی‌شناختی تصورات، رفتارها، تعاملات فردی و اجتماعی. اگر این دو تمایل فطری آدمی مدنظر قرار گیرند، هیچ نهایی را نمیتوان تحقق آرمان‌های انسانی فرض کرد، مگر آن‌که در آن حالت، عقلانیت به تمام و زیبایی به کمال حاصل گردد. یعنی پایان کار انسان در بهترین وضعیت قابل تصور، وضعیتی است که رفتارهای فردی و اجتماعی، دقیقاً منطبق بر اصالت عقل و کاملاً متناسب با حقیقت هنر باشند؛ آن‌چنان‌که در کلیت خود، جلوه‌هایی از حقیقت اسمای حسناى الهی را نمایان سازند. [۲۲]. از اینرو بر عهده تصویرپردازان شهر موعود است که مسیر خود را در دو طریق، منطبق بر عقلگرایی علمی و زیبایی‌شناسی هنری استمرار بخشند.

### شهر عدل موعود، مظهر عقلانیت و زیبایی

«شهر عدل» شهری است که انجام کار آدمی بدان ختم میشود؛ انجامی که براساس وعده‌های الهی در ادیان توحیدی، مقرون به سعادت و بهروزی عامه مردم خواهد بود؛ مردمی که در احیا و پایداری این شهر و حکومت عدل آن نقش اساسی دارند. حکومت عدل موعود، از میان مردم برخاسته است و مسئولانش پاسخ‌گوی امتی حکیم و دانشمندند که امامی عادل و عالم را به پیشوایی خود انتظار کشیده‌اند. امتی که جز برای احقاق حق و تحقق عدل سؤال نمیکند و دائماً امام خود را در امر اصلاح ترکیب حکمرانان یاری میدهد؛ امتی شایسته حیات در شهر عدل، شهر صالحان و شهر خردمندان. در چنین جامعهای است که رجوع به آرای عمومی



معنی پیدا میکند؛ زیرا مردم به اندازه‌ای از بلوغ و بینش اجتماعی میرسند که بدون اثرپذیری از تبلیغات برتر احزاب مزورتر، آرای خود را با مصالح خود تطبیق میدهند. تداول امر به معروف و نهی از منکر، به طور آگاهانه، اشتباه‌های جامعه را اصلاح می‌نماید و موجب آن میشود که هیچ‌گاه کلیت جامعه در خطا متوقف نشود. بنابراین می‌توان انتظار داشت که آرای عامه مردم در شهر عدل کاملاً با رای امام و رهبر خردمند و دوراندیش آنان منطبق باشد. نخبگان و اشراف چنین جامعه‌های نه با ثروت و قدرت و شهرت بیشتر، که با دانش و حکمت و اخلاص بیشتر شناسایی میشوند و مردم با اقتدا به آنها، به سرچشمه‌های حکمت و آگاهی دست می‌ابند. در سنت گزارش شده از معصوم (ع)، اشاره‌های روایی زیادی درباره سطح عقل و خرد مردمان شهر عدل یافت میشود. ردیف- متن روایت- منسوب به - منبع و ماخذ- منبع اصلی ۱. چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سربندگان می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته، اخلاقشان را به کمال میرساند. - امام باقر علیه السلام- مسعود پورسیدآقایی، پیدای پنهان، ص ۳۵- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶ و منتخب الاثر ص ۴۸۲.۲. در دولت مهدی (عج) به همه مردم حکمت و علم بیاموزند. - امام باقر علیه السلام - پیدای پنهان، ص ۳۵. - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.۳. از میان فرزندان او (آدم) پیامبرانی برگزید و پیمان وحی را از آنان گرفت،.... و پی در پی رسولان خود را به سوی آنها فرستاد تا.... گنج‌های پنهانی عقلها را آشکار سازند. - امام علی علیه السلام - ترجمه امامی و آشتیانی ج ۱۰، ص ۶۵. - نهج البلاغه، خطبه ۱۴. چه بسیارند افرادی که برای چیزی عجله می‌کنند که اگر آن را به دست آورند (پشیمان شده)، دوست دارند هرگز به آن نرسیده بودند و چقدر امروز به فردا نزدیک است.... بدانید که آن شخص از ما (مهدی) که آن فتنه‌ها را دریابد، با چراغی روشن‌گر در آن گام مینهد و بر همان سیره و روش صالحان رفتار میکند تا گرورها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را گرد هم آورد.... سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آبدیده و مهیا میگردند. هم‌چون آبدیده شدن شمشیر به دست آهنگر! چشم اینان با قرآن روشنی میگردد و معانی آیاتش گوش آنان را نوازش میدهد و شامگاهان و صبحگاهان از جام حکمت و معارف الهی سیراب میگردند. - امام علی علیه السلام- نهج البلاغه ترجمه امامی و آشتیانی، ج ۲، ص ۱۵۱؛ آیتی ص ۳۳۹. - نهج البلاغه، خطبه ۵. ۱۵۰. عدالت را اجرا نتواند کرد، مگر کسی که آن را به بهترین وجه بشناسد. - امام موسی کاظم علیه السلام- حکیمی جامعه‌سازی قرآنی، ص ۱۶۷. - کافی، ج ۱، ص ۵۴۲.۶. ای علی بدان که مردمی در آخرالزمان خواهد آمد که دارای شگفت‌انگیزترین ایمانها و استوارترین یقینها هستند، مردمی که پیامبر را ندیده‌اند و حجت خدا نیز از نظر آنها پنهان است، با این حال، از راه نوشته و کتاب (خطی سیاه بر کاغذی سپید) ایمان می‌آورند. - پیامبر اکرم (ص)- جامعه‌سازی قرآنی، ص ۱۶۵. - اکمال الدین، ج ۱، ص ۴۰۵، بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۵. مختصات این شهر به گونه‌ای است که تمایلات زیبایی‌شناسانه آدمیان در ترسیم قواعد و مناسبات اجتماعی را به بهترین شکل پاسخ گو باشد. رهبر این تمدن، با مراتبی وصف‌ناپذیر از زیبایی در رفتار و سلوک فردی و اجتماعی، شناسایی میشود و رفتار مردم نیز از این زیبایی تأثیر میپذیرد (جدول ۳). شعار هنر برای هنر بی‌معنی جلوه میکند و رسالت هنر به حقیقت خود نزدیک می‌شود؛ حقیقتی که تلاش به منظور توسعه ادراک اصالت‌های زیبایی‌شناسانه برای عامه مردم و آشنا ساختن آنها با سرشت و جوهر زیبایی‌های پایدار را وظیفه هنرمندان میداند. شهر عدل امام مهدی، شهری است در اوج زیبایی؛ شهری خیره‌کننده که از جلوه‌های نازیبای فقر، بیماری و فساد به دور است و از خانواددهایی منسجم، مستحکم و خلل‌ناپذیر تشکیل میشود. هنرمندان این شهر در جست‌وجوی رموز پایدار زیبایی‌شناسی، طریق هنر را به طریق علم پیوند میزنند. علم و هنر در خدمت اهداف مقدس انسانی قرار میگیرد؛ اهدافی منطبق با اهداف خلقت در متجلی ساختن اسمای الهی در رفتار و حالات جوامع انسانی. تشبیه حالات و رفتار امام زمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت عیسی و حضرت موسی (بر حدود وصف‌ناپذیری از وقار، زیبایی، آراستگی در ظاهر، رفتار و کردار ایشان دلالت دارد؛ زیبایی آمیخته با سادگی و بیپیرایگی محیط زندگی. (جدول ۳) بها به معنای نیکویی است و بر زیبایی صورت و سیرت دلالت دارد. [۲۳] این رفتار و سلوک زیبا و موقر، به اجزای جامعه‌های مملو از پیروان مشتاق آموخته

میشود و کل جامعه منعکس کننده رفتار و حالاتی از این گونه خواهد شد. بدین ترتیب، جامعه عدل شکل میگیرد؛ جامعهای که به دلیل هم‌سویی با اهداف خلقت، به قابلیت بقا و پایداری دست مییابد. [۲۴] در اقتدا به امامی که حسن جمال عالمین است. نتیجه بحث آن است که تصویرپردازی از آینده موعود، باید با تعهد مستمر به دو شاخص مهم صورت گیرد و مستمراً بازپردازی تصاویر پردازش‌یافته در طریق اصلاح قرار گیرد؛ تعهد به عقلانیت کامل شده و زیبایی کمال‌یافته.

### ختم سخن: تصویر پردازی بصیرت بخش و راهبرد فوق فعال منتظران

عدالت مفهومی است که عمیقاً با خردمندی و زیبایی ملازمه دارد؛ به گونه‌ای که هر چه یک جامعه از عقلانیت ابزاری به عقلانیت ارزشی و جوهری [۲۵] و هر چه از زیبایی‌شناسی سطحی و ظاهر‌گرا به زیبایی‌شناسی عمیق و باطن‌گرا نزدیک‌تر شود، مختصات شهر عدل را بیش‌تر عینیت میبخشد. رابطه عقلانیت جوهری و زیبایی پایداری با ماهیت مصنوعات تولید شده در جامعه‌رديف- متن روایت- منسوب به- منبع و ماخذ- منبع اصلی ۱. مهدی از فرزندان من است، نامش، نام من و کنیه‌اش، کنیه من است، شیبه‌ترین مردم است به من، از نظر خلق و صورت، و از نظر خلق و سیرت. - پیامبر اکرم (ص) - پیام امام زمان (عج) ۱۴۰۸، هـ.ق، ص ۱۰۹- کمال‌الدین صدوق، صص ۲۸۶ و ۲۵۷.۲. مهدی امت من، شیبه‌ترین مردم به من است، در شکل صورتش و سخنان و رفتارش. - پیامبر اکرم (ص) - پیام امام زمان ص ۱۰۹. کمال‌الدین صدوق، صص ۲۵۷ و ۲۸۶.۳. مهدی طاووس اهل بهشت است. - پیامبر اکرم (ص) - پیام امام زمان ص ۱۱۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۱.۴. چون قیام کند، به عدالت حکومت کند و در زمان او ستم ریشه کن و راهها امن می‌گردد... - امام صادق (علیه‌السلام) - پیدای پنهان ص ۴۰. - منتخب الاثر، ص ۳۰۸.۵. مهدی این امت، از ما است، او از هیبت موسی و بهاء عیسی و قضاوت داوود و صبر ایوب برخوردار است. - پیامبر اکرم (ص) - پیام امام زمان ۱۴۰۸، ص ۱۰۷. - منتخب الاثر، ۲۶.۶. مهدی «علیه‌السلام» به کارگزاران خود در تمامی بلاد فرمان میدهد که شهرها را آباد سازند. - امام صادق - پیدای پنهان ص ۴۲. - روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵.۷. زمین به وسیله مهدی آباد، خرم و سرسبز میشود. - امام باقر - پیدای پنهان ص ۴۲. - منتخب الاثر، ص ۱۵۷.۸. مهدی (عج)، اموال را میان مردم چنان به تساوی تقسیم میکند که دیگر نیامندی یافت نمیشود تا به او زکات دهند. - امام باقر - پیدای پنهان ص ۳۸. - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰. هرچه مصنوعات تولید شده در جامعه بیش‌تر در خدمت ترویج فرهنگ عدالتخواهی باشند، جامعه به مختصات شهر عدل نزدیک‌تر میشود. مصنوعاتی که عاشقانه طراحی و ساخته میشوند، در ورای نسلها و گروههای انسانی پایداری می‌مانند و منتقل میشوند. وجوه زیبایی‌شناسانه و عقلانی کتابهای مقدس و انعکاس آنها در آثاری چون نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، دعای عرفه و دعای کمیل که زیبایی و حکمت را به هم آمیخته‌اند، به تولید مصنوعاتی انجامیده‌اند که در میان آثار دیگران نظیر ندارند. در واقع، سرّ پایداری و اعتبار ارزش بسیاری از آثار هنری، ادبی و ساختههای فیزیکی (نظیر بناهای باستانی) نیز همین است. برای مثال، آثار شعرایی که بیش از دیگران از کتابهای مقدس تأثیر پذیرفته‌اند قابل مقایسه با آثار سایر شعرا نیست؛ به گونه‌ای که مقایسه آثار فردوسی، حافظ، نظامی و مولوی با آثار بسیاری از شعرای معاصر آنها، اهمیت این شاخصها را بیش‌تر روشن می‌سازد. تکامل علم و هنر، راه ادیان حقیقی را هموار میکند؛ به طوری که به نظر میرسد پیوند عقلانیت علمی و زیبایی‌شناسی هنری، به شناخت صحیح و معتبر از دین میانجامد. گویا هرچه عقل و هنر به تمام و کمال میرسند، مسیر بقا بر صراط علم و دین هموارتر می‌گردد. بنابراین تصویرپردازان راه آینده باید در سیری حقیق‌گرا و رو به اصلاح (یادگیرنده)، التزام آثار خود را به خردورزی و زیبایی‌شناسی افزونی بخشند. خود بر ساختههای خود نقد بزنند و تا پایان عمر بر اصلاح آنها اصرار نمایند تا انشاءالله سیر جامعه بشری به سوی آیندهای بنا شده بر عقلانیت علمی و زیبایی‌شناسی هنری هموارتر گردد. این هر دو، در مسیر توسعه بلوغ و شعور انسانی قرار دارند؛ شعور ادراک ظهور مهدی (عج) و همه مظاهر خرد و زیبایی که با تجلی حکم او بر سیستمهای اجتماعی ساخته آدمیان، مجال ظهور مییابد. امید آن که با شناسایی وجوه عقلانی و زیبایی

شناسانه شهر عدل او، شوق آگاهانه جوامع بر استمرار حرکت به سوی احیای آن و کسب شایستگی برای حضور و حیات در آن افزایش یافته، به توسعه شعوری که مقدمه ادراک ظهور و حیات در شهر عدل امام مهدی (عج) است، بیانجامد.

## پاورقی

- [۱] مفاتیح، ص ۱۰۸۲.
- [۲] پیام امام زمان، ص ۶۷ (به نقل از حرکت العقول).
- [۳] ر.ک: قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ و نهج البلاغه، خطبه شانزدهم.
- [۴] ر.ک: بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن، صص ۲۱۳ و ۲۱۴.
- [۵] ر.ک: المیزان، ج ۱، صص ۴۲۱ - ۴۲۵.
- [۶] همان، ج ۱۴، ص ۴۹۲.
- [۷] همان، ج ۱۵، صص ۲۱۲ و ۲۱۴.
- [۸] همان، ج ۱۱، ص ۴۶۸.
- [۹] ر.ک: نهج البلاغه، ترجمه امامی و آشتیانی، خطبه ۳، ص ۷۵.]
- [۱۰] بقره: ۱۱۷.
- [۱۱] ر.ک: سوره رعد، ۱۱.
- [۱۲] ر.ک: حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۴۰۵.
- [۱۳] در زیارت جامعه کبیره آمده است «اشهد ان... و ان ارواحکم و نورکم و طینتکم واحده؛ یعنی شهادت میدهم که... و این که ارواح و نور و طینت شما (اهل بیت) تجلی حقیقتی واحد است (مفاتیح، ص ۱۰۰۴).
- [۱۴] ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار (ج ۱۸)، صص ۳۸۳۷.
- [۱۵] ر.ک: نهج البلاغه، ترجمه امامی و آشتیانی، ج ۱، خطبه ۷۴، ص ۱۸۳ و خطبه ۳، صص ۷۵ - ۷۷.
- [۱۶] بلوغ و آمادگی افراد برای انجام هر کار را میتوان حاصل توانایی پیروان و تمایل آنها به انجام آن فرض کرد (ر.ک: علی رضاییان، مدیریت رفتار سازمانی، صص ۴۱۴-۴۱۳).
- [۱۷] البته واضح است که باید میان قاطعیت برای نیل به اهداف اجتماعی و استبداد تفاوت قائل شد.
- [۱۸] ر.ک: نهج البلاغه، ترجمه آیتی، خطبه ۵، ص ۵۳.
- [۱۹] برای آشنایی با استراتژی تصویرپردازی از آینده و تفاوت تصویرپردازیهای القایی با تصویرپردازیهای بصیرت بخش و انواع واکنشهای مواجهه با برنامه های القایی، رجوع کنید به: علی اصغر پورعزت، تصویرپردازی از آینده، تابستان ۱۳۸۲ و اردیبهشت ۱۳۸۳.
- [۲۰] ر.ک: فاطمه زیباکلام، سرگذشت سفسطائیان و شکاکان؛ صص ۲۵-۲۷.
- [۲۱] ر.ک: الوانی و شریف زاده، فرآیند خط مشی گذاری عمومی، صص ۲۸ - ۴۰.
- [۲۲] ر.ک: بقره، ۳۱-۳۳.
- [۲۳] پیام امام زمان، ص ۱۱۳.
- [۲۴] ر.ک: بینش تاریخی نهج البلاغه، صص ۱۲۶ و ۱۲۷ و صحیفه سجادیه، ترجمه رضایی، صص ۲۵۴ و ۲۵۵.
- [۲۵] برای آشنایی با مفهوم عقلانیت ابزاری و عقلانیت جوهری، ر.ک: سید مهدی الوانی، مدیریت عمومی، صص ۳۷۵-۳۸۸.